

فرج سرکوهی. نامزدی از جنس احمدی نژاد، تنش‌ی گذرا یا نیازی پایدار [مشایی].

نامزدی از جنس احمدی نژاد، تنش‌ی گذرا یا نیازی پایدار



11:43, 29-03-2013

فرج سرکوهی

آقای اسفندیار رحیم مشائی یا هر «نامزد دیگری از جنس احمدی نژاد»، بر بستر کدام تضادها و پیچیدگی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به آماج حمله مشترک نهادهای قدرت و جناح‌های حکومتی بدل شده است؟

چرا اغلب مراکز و مراجع قدرت دینی، سیاسی و امنیتی، از دفتر رهبری، مراجع تقلید و اکثریت مجلس گرفته تا فرماندهان سپاه و بسیج و روسای دیگر نهادهای امنیتی و همه جناح‌های سیاسی مجاز، جز گرایش هوادار احمدی نژاد، از اصول گرایان، محافظه کاران سنتی و روحانیت محافظه کار گرفته تا کارگزاران شبکه قدرت اقتصادی - سیاسی رفسنجانی و اصلاح طلبان مذهبی، به رغم تضادهای خود، از حضور اسفندیار رحیم مشائی یا نامزد دیگری «از جنس احمدی نژاد» در انتخابات ریاست جمهوری می‌ترسند؟

چرا بسیاری از اعضای این ائتلاف غیررسمی از شورای نگهبان می‌خواهند تا با رد صلاحیت «اعضای حلقه انحرافی»، آنان را از رقابت با رقیبی نیرومند نجات دهد؟

بر چه زمینه‌هایی است که اغلب چهره‌های شاخص این گرایش‌ها و جناح‌ها، از هواداران رفسنجانی چون صادق زیبا کلام و چهره اصلاح طلبی چون عباس عبدی گرفته تا چهره‌های محافظه کاری چون محمد رضا باهنر، مستقیم یا غیرمستقیم، از امکان بالای رای آوری مشائی در رقابت‌های انتخاباتی خرداد ماه سخن می‌گویند؟

پدیده‌ای نهادینه یا موجی گذرا؟

تنش برآمده از احتمال حضور مشائی یا «نامزد دیگری از جنس احمدی نژاد» در انتخابات ریاست جمهوری، چنان که برخی اصول‌گرایان نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی معتقدند «حادثه‌گذرائی» است با عمری به کوتاهی چند ماه پایانی ریاست جمهوری احمدی نژاد یا نمودی است از تنش‌ی عمیق در بافت جامعه که پس از ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز در قالبی دیگر تجلی خواهد یافت؟

«پدیده‌ی مشائی»، چنان که برخی می‌گویند محدود به «گروه انحرافی» است یا این پدیده نقابی است بازگونه و مقلوب از چالشی عمیق و پایدار در زیر پوست جامعه ایرانی که هنوز قالب متناسب خود را نیافته، در قالب اصلی خود امکان ظهور نداشته و از سر تکامل نیافتگی یا ناچاری در نقاب‌های دور از اصل تجلی می‌یابد؟

«نامزدی از جنس احمدی نژاد» تا چه حد شکاف‌های نهفته در اعماق جامعه را نمایندگی می‌کند؟

آن چه دیگر نیست و آن چه هنوز نیست

جامعه ایرانی جامعه ای است که «دوران گذار» از گذشته و «آن چه دیگر نیست» به آینده و «آن چه هنوز نیست» در آن به شکل بندی و فرماسیونی «پایدار» بدل شده و «زیست همزمان عناصر ناهمزمان» از شاخص های اصلی آن است.

ساختاری استبدادی متکی به درآمدهای نفتی این جامعه برخی از مهم ترین لایه های آن را از حضور نمایندگان خود در عرصه سیاست و فرهنگ محروم کرده است، پدیده های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این جامعه گاه نه در هیات اصلی، که با نقاب های بازگونه و مقلوب ظاهر شده و نیازهای بنیادین لایه های محروم از نمایندگی مستقل سیاسی و فرهنگی، گاه خود را در نقاب گرایش های «مشابه مجاز حاضر» پنهان می کنند.

همین بستر برخی دلایل ظهور اصلاح طلبان مذهبی و احمدی نژاد در گذشته و محبوبیت احتمالی «نامزدی از جنس احمدی نژاد» در انتخابات آینده را توضیح می دهد.

اصلاح طلبان مذهبی خواهان دموکراسی نبوده و به اصلاحات در چارچوب نظام جمهوری اسلامی قانع بودند اما در آخرین ماه های دور دوم ریاست جمهوری رفسنجانی، از رانت استبدادی غیبت آئرناتیو خواهان دموکراسی بهره گرفتند و نیاز لایه هائی از جامعه را به دموکراسی، چون «کالای مشابه در غیبت اصل»، نمایندگی کردند هرچند در ۸ سال ریاست جمهوری محمد خاتمی در تحقق اصلاحات محدود مطلوب خود نیز شکست خوردند.

محمود احمدی نژاد در نخستین رقابت خود برای دستیابی به کرسی ریاست جمهوری، آگاهانه یا ناآگاهانه، از غیبت آئرناتیو سوسیال دموکرات بهره گرفت و با کاراکتری پوپولیستی، اما متناسب و همخوان با نظام ارزشی و فرهنگ لایه های مخاطب خود، نیاز لایه های حاشیه نشین، فقیر و کم درآمد را به عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه تر درآمدهای نفتی و مبارزه با قدرتمندان فاسد را مطرح و رای اکثریت را به خود جلب کرد.

«کالای مشابه»، که هنوز از رانت غیبت کالای اصلی برخوردار است، در تحقق وعدهای خود ناموفق شد اما می کوشد تا با برخوردهای برنامه ریزی شده، ناکامی خود را به سد مراکز قدرت از جمله رهبر، مجلس، قوه قضائیه، سپاه پاسداران، محافظه کاران سنتی و اصول گرایان نسبت داده و بخت پیروزی را برای نامزدی از جنس خود فراهم کند.

نفی میانجیگری روحانیت

احمدی نژاد از همان ماه های نخستین دور اول ریاست جمهوری خود و به دورانی که هنوز از حمایت رهبر برخوردار بود، گرایش خود را به برداشتی نشان داد که رابطه امام غائب را با همه «بندگان صالح خدا» ممکن دانسته و به میانجیگری روحانیت شیعه معتقد نیست.

میانجیگری بین مومنان با قرآن، شریعت و امام غائب، اساسی ترین پایه قدرت روحانیت شیعه است و هر گرایشی که این میانجیگری را انکار کند ولایت فقیه را نیز انکار کرده و به تحقق حکومت اسلامی در اشکالی متفاوت با ولایت فقیه یا خلیفه گری گرایش دارد.

این برداشت و دیگر مواضع احمدی نژاد چون حمایت از بازتر کردن فضای فرهنگی، حضور زنان در ورزشگاه ها و سهل گیری در باره حجاب اسلامی، که در دوم با اصرار بر گزینش وزیر زن و حمایت از مذاکره با آمریکا پررنگ تر شد، زنگ خطر را برای محافظه کاران و روحانیت شیعه به صدا درآورد.

برخی مواضع مشائی، نزدیک ترین دولتمرد به رئیس جمهور، از جمله «دوستی بین ملت های ایران و اسرائیل» و «مکتب ایرانی» به جای اسلامی که «دوران آن به پایان رسیده»، خصومت آنان را علیه او تقویت کرد.

مشائی به سحر و جادو و رهبری «حلقه انحرافی» متهم و کار تا بازداشت گروهی از نزدیکان او بالا گرفت.

چپ سنتی و واقعیت انکار شده

باور به «تقلب» و «مهندسی انتخابات»، چشم چپ سنتی ایران را بر شناخت یکی از روندهای اصلی جامعه ایرانی، برآمدن لایه های فقیر، کم درآمد و حاشیه نشین در سیاست، بست.

لایه های حاشیه نشین، فقیر و کم درآمد، اکثریت جامعه در ایران، گاه با شورش شهری و گاه در انتخابات سخن می گویند اما آرای تاثیر گذار آنان در دو بار انتخابات ریاست جمهوری، چشم چپ سنتی ایران را به تحولی مهم باز نکرد.

چپ سنتی ایران پس از سرخوردگی از باورهای گذشته خود برنامه های سوسیالیستی را درست رها کرده، با باور به توهم «طبقه متوسط دموکراسی خواه»، با لیبرال های مذهبی هوادار نئولیبرالیسم همراه و در گرایش اصلاح طلبان مذهبی حل یا با طرح مفهوم مجرد و ناکارای «جمهوری لائیک» فلج شده و در هر دو حالت، چون همه گرایش های حافظ نظم اقتصادی مسلط، از پیوند دموکراسی با عدالت اجتماعی گریزان شد.

اما نغی برنامه های سوسیال دموکراتیک نیاز بدین برنامه ها را در لایه هائی از جامعه منتفی نمی کند و انکار واقعیت در وجود آن تغییری نمی دهد.

نامزدی از جنس احمدی نژاد

نیاز لایه های مهمی از جامعه به برنامه ای دموکراتیک و عدالت طلبانه در قالبی کژدیسه در ماسک حمایت از پوپولیسم احمدی نژاد خود را نشان داد.

عمر دولت احمدی نژاد در خرداد ماه به پایان می رسد اما این نیاز محروم از نمایندگی مستقل، که بی پاسخ مانده است، همچنان برجای است و لایه های حامل آن «به آفتاب شیفته» اند هرچند به گفته شاملو «با آفتاب گونه ای آنان را فریفته» باشند.

«نامزدی از جنس احمدی نژاد» با برنامه هائی چون افزایش یارانه های نقدی، بازترکن فضای فرهنگی و اجتماعی، مبارزه با قدرتمندان فاسد و مذاکره با امریکا می تواند کالای مشابه دیگری باشد تا این نیاز را به کژراهه برد.

میزان رای آوری این کالای مشابه روشن نیست و به افزایش یا کاهش محبوبیت احمدی نژاد در لایه های حامی او بستگی دارد اما حضور قدرتمند نامزدی که مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، ناعادلانه بودن توزیع درآمدهای نفتی و شکاف فقر و ثروت را، در سطح گسترده جامعه کل، به یکی از موضوع های اصلی انتخابات و جامعه بدل کند، برای همه حافظان ساختار اقتصادی مسلط چندان نگران کننده است که مخالفت با نامزدی از جنس احمدی نژاد را به محور متشکر آنان بدل کند هرچند آنان نیز از بدلی بودن این کالای مشابه با خبراند.

اسفندیار رحیم مشائی تاکنون به صراحت در باره نامزدی خود سخن نگفته و شورای نگهبان نیز، به احتمال نزدیک به یقین، او را از حضور در رقابت های انتخاباتی محروم خواهد کرد و اگر چنین شود مقاومت احتمالی احمدی نژاد در برابر شورای نگهبان نیز، حتی به بهای دخالت مستقیم رهبر، راه به جائی نخواهد برد.

برخی تحلیل‌گران بر آن اند که گرایش هوادار احمدی‌نژاد، با آگاهی بر این واقعیت، نامزد اصلی خود را پنهان نگه داشته تا همه واکنش‌های منفی را به سوی مشائی برگرداند.

در این برداشت مخالفت اعلام شده رهبر و مراجع تقلید با مشائی او را به چهره‌ای معروف بدل کرده است اما «نامزد دیگری از جنس احمدی‌نژاد» نیز می‌تواند بخش مهمی از آرای او را کسب کند.

دولتمردی با سابقه غیرسیاسی

آقای مشائی، که مهندس الکترونیک است، تا پیش از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد چهره‌ای ناشناخته در عرصه سیاست و از مدیران رده پائین وزارت اطلاعات و وزارت کشور بود.

سابقه و فعالیت سیاسی نداشت و کارنامه امنیتی او به فعالیت در اطلاعات بسیج اصفهان، معاونت اطلاعات واحد کومله در اطلاعات سپاه کردستان با نام مستعار مرتضی محب‌الاولیاء، مسئولیت مناطق بحرانی وزارت اطلاعات به دوران وزارت اطلاعات ری شهری، مدیریت کل اجتماعی وزارت کشور به دوران وزارت کشور بشارتی و عضویت در شورای تامین استان آذربایجان غربی محدود بود.

به دوران شهرداری احمدی‌نژاد، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران شد و در دولت او ریاست سازمان میراث فرهنگی را بر عهده داشت و انتصاب او به سمت معاون اول رئیس‌جمهور با دستور کتبی رهبر منتفی شد.

کارنامه‌ای غیرسیاسی از این دست فقیرتر از آن است که دارنده آن را به وزنه‌ای سیاسی در رده بالا بدل کند و هم از این روی ترس بافت قدرت جمهوری اسلامی از موفقیت مشائی در انتخابات ریاست جمهوری نه بر رای آوری او که بر حضور نیازی مبرم اما محروم از نمایندگی مستقل در جامعه ایران تاکید می‌کند.

+++++

برچیده تیرستان از : بی بی سی 2013-3-29

<http://www.bbc.co.uk/blogs/persian/viewpoints/2013/03/post-511.html>